

اروپا و مسئله امنیت در خاورمیانه

دکتر محمود واعظی*

درآمد

جهانی، وارد مرحله تازه‌ای از حیات سیاسی خود شود. مجموعه تحولات دهه‌های اخیر در خاورمیانه این منطقه را به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و حساس‌ترین حوزه ژئوپولیتیک جهان مطرح کرده است. رخدادهای سال‌های گذشته در این منطقه به ویژه پس از تحولات اخیر جنگ بین حزب‌ا.. و اسرائیل، موجب توجه بیشتر برخی از قدرت‌های اروپایی و حضور نیروهای چندملیتی حفظ صلح (UNIFIL) با محوریت نیروهای اروپایی در مرز بین اسرائیل

گسترش نقش و تأثیرگذاری اتحادیه اروپا به عنوان یکی از قدرتمندترین بلوک‌های سیاسی و اقتصادی جهان در موضوعات مختلف بین‌المللی طی چند سال اخیر قابل توجه و تأمل است. اتحادیه اروپا که با پیوستن اعضای جدید هم‌اینک با ۲۵ کشور از گستره و توانایی مناسبی برخوردار شده است، با تکمیل فرآیند عضویت چند کشور دیگر ظرف چند سال آینده می‌تواند با بازیابی نقش و جایگاه خود در عرصه مناسبات

* معاون پژوهش‌های سیاست خارجی - مرکز تحقیقات استراتژیک

جغرافیایی بیشتری پیدا کرده است. فضای خاورمیانه پیش از گذشته امنیتی شده و بی ثباتی در آن افزایش یافته است. در این میان، فرصت‌های تازه‌ای نیز برای نقش‌آفرینی این اتحادیه فراهم آمده تا جایگاه خود را در معادلات بین‌المللی ارتقا دهد. اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر می‌تواند نقشی ویژه ایفا نماید که به لحاظ ماهیت و نگرش از نقشی که سابقاً ایفا می‌کرد، متفاوت باشد. اصطلاحی که در متون جدید اروپایی یافت می‌شود این است که اروپای در حال گسترش به دنبال ایفای نقش مؤثر در خاورمیانه بزرگ (خاورمیانه و مدیترانه) است.^(۱) بنابراین، احتمال می‌رود که ذهنیت اروپائیان در زمینه بازتعریف نقش اتحادیه اروپا در سیاست بین‌الملل تغییر یابد. یکی از مناطقی که اروپا می‌تواند به عنوان بازیگر فعال در آن ایفای نقش کند، خاورمیانه به خصوص پس از تحولات اخیر می‌باشد. ایفای این نقش جدید و درک این موقعیت، موضع و جایگاه اروپا در سیاست بین‌المللی را شکل خواهد داد.

در یک نگرش تحلیلی، سیاست خارجی اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه با چالش‌هایی مواجه است:

نخست، هنوز سیاست خارجی و امنیتی مشترک (CFSP) اتحادیه اروپا از بالندگی لازم در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی برخوردار نگردیده و در خصوص موضوعات و مناطق حساس، سیاست

و لبنان شد. استمرار مناقشه فلسطینی - اسرائیلی، سیاست‌های اسرائیل در منطقه، تشدید بحران در عراق و نیز موضوع برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس از جمله موضوعات مهم بین‌المللی است که در صورتی که اروپا بخواهد در آینده نظام بین‌الملل جایگاه مناسبی کسب کند، نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد. در این مقاله با توجه به تحولات جهانی و منطقه خاورمیانه و مسایل پیش‌روی اروپا در این منطقه، پرسش اصلی این است که اتحادیه اروپا از چه نقش و جایگاهی در شکل‌دهی، فضای امنیتی منطقه خاورمیانه برخوردار است؟

۱. چالش‌های سیاست خاورمیانه‌ای اروپا

گسترش اتحادیه اروپا هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ کشورهای که به این اتحادیه پیوسته‌اند، حائز اهمیت است. این تحول ژئوپولیتیک به لحاظ فرصت‌های ایجاد شده از رهگذر وضعیت جدید مورد توجه می‌باشد. اتحادیه اروپا بر خلاف سنت دیرین خود به یکباره به سمت شرق گسترش یافته و این امر در عین آفرینش فرصت‌ها، چالش‌هایی را نیز در برابر این اتحادیه قرار داده است. اتحادیه اروپا شامل کشورهای بزرگی است که هر کدام از آنها سابقه طولانی روابط دوستانه و نزدیک با بسیاری از کشورهای خاورمیانه دارند و در پرتو این گسترش اینک اتحادیه اروپا با خاورمیانه قرابت

خاورمیانه به عنوان یک بازیگر در چارچوب خط‌مشی‌های کلی سیاسی و اقتصادی آمریکا ایفا کرده است و به جای تعقیب یک سیاست

فعال و مستقل، عمدتاً کارکردی "انضمامی" و "تکمیلی" داشته است.

به رغم آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، انسجام، وحدت رویه و سرعت عمل بیشتری به سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بخشیده باشد. خصوصاً آنکه در پی رویداد مزبور، این اتحادیه، توجه بیشتری به خاورمیانه و موضوعات آن به عنوان مهمترین منطقه تأمین کننده انرژی و نیز کانون اصلی بحران‌های بین‌المللی پیدا کرده است.

در همین رابطه، برخی تحولات جاری در خاورمیانه این منطقه را برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سیاست خارجی و امنیتی مشترک این اتحادیه بسیار مهم می‌سازد. پیامدهای جنگ اخیر در لبنان و تعهد اروپا به تأمین نیروهای صلح‌بان، استمرار بحران فلسطین، افزایش عملیات تروریستی و تشدید اوضاع ناپسامن امنیتی در عراق نوع نگاه اروپا به برنامه هسته‌ای ایران و تشدید اوضاع ناپسامن امنیتی در جنوب افغانستان و نیز بروز اقدامات امنیتی در برخی از کشورهای اروپایی از جمله تحولاتی هستند که منادی عصر جدیدی در سیاست‌های منطقه‌ای اروپا می‌باشند. بحران

دول اروپایی از روندهای ملی‌بیش‌ازگرایش‌های فراملی تبعیت می‌کند.

دوم، ورود ۱۰ کشور اروپای مرکزی و شرقی به این اتحادیه و تبدیل شدن آن به سازمانی با ۲۵ عضو، بر سرعت عمل و کارآمدی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا تأثیری بازآزنده داشته است و در این راستا زمینه را برای مداخله و تأثیرگذاری برخی از قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا در تحولات اروپا و سیاست خارجی آنها فراهم کرده است.

سوم، خاورمیانه به لحاظ جغرافیایی و نیز موضوعی از گستره مفهومی وسیعی برخوردار است. از نظر جغرافیایی، حداقل در تعریف اروپایی آن، این منطقه چندین خرده سیستم منطقه‌ای شامل کشورهای واقع در حاشیه خلیج فارس و نیز در ساحل مدیترانه جنوبی و شرقی را پوشش می‌دهد.^(۱) از نظر موضوعی نیز خاورمیانه پذیرای بحران‌ها و موضوعات متعدد با بازتاب‌های وسیع بین‌المللی می‌باشد که مناقشه اعراب و اسرائیل، امنیت انرژی، تروریسم، تسلیحات کشتار جمعی، بحران عراق و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از آن جمله هستند.

چهارم، به طور سنتی، اروپا نقش خود را در عراق و اشغال این کشور آزمونگاهی بود که در

مستقیم و بسیار مهم با مدیریت امنیت بین‌المللی به ویژه اروپایی - با توجه به قرابت جغرافیایی آن با منطقه خاورمیانه - داشته باشد و از دیگر سو، منابع استراتژیک موجود در این منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی توزیع قدرت آینده در سطح نظام بین‌الملل بر عهده خواهند داشت. در مباحث تهدیدات نوین امنیت بین‌المللی، دو موضوع تروریسم و سلاح‌های گسترده جمعیتی از بالاترین اولویت برخوردار شده است. طبیعی است که میزان توفیق در ارائه راه‌حل‌های عملیاتی جهت برخورد با این دو تهدید، بنیانی‌ترین عامل تعیین‌کننده نقش این بازیگران در تعاملات کلان بین‌المللی و در نتیجه شکل‌دهی به مؤلفه‌های نظم آینده، محسوب می‌شود.^(۳) اندیشمندان روابط بین‌الملل پیرامون ویژگی‌های نظم موجود بین‌المللی در چند نکته از اجماع نظر برخوردارند:

۱. نظام بین‌الملل در وضعیت گذار به سر می‌برد. به عبارت بهتر، هیچ‌یک از الگوهای محتمل کش بازیگران، از وضعیت تثبیت‌شده‌ای برخوردار نیست.
۲. ماهیت تهدیدات بین‌المللی دچار تغییرات جدی شده است، به طوری که تهدیدات از اشکال سنتی آن بسیار فراتر رفته و انواع جدید و پیچیده‌ای را در برمی‌گیرد.
۳. در شرایط جدید، نه تنها تهدیدات ناآشنا و غیرقابل‌درک با ذهنیت سابق ظهور کرده،

مقطعی مهم نتوانست چهره واحدی از اتحادیه اروپا را به نمایش درآورد و مالا این بلوک را با معضل تصمیم‌سازی رونبرو ساخت.

چنانچه اتحادیه مایل به ایفای نقشی جدی در معادلات بین‌المللی و خصوصاً ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه باشد، مطلقه‌ای که بیش از هر جای دیگری می‌تواند بر امنیت و اقتصاد این قاره اثر گذارد، این امر تنها از طریق رویکردی متمایز از گذشته، پویا و جسورانه ممکن است. چنین اراده‌ای در درجه اول نیازمند غلبه بر تمایلات متفاوت و بعضاً متعارض در درون اتحادیه می‌باشد؛ در عصری که روندهای نظامی - امنیتی و تحول ژئوپولیتیک سریع‌تر از فرآیندهای اقتصادی عمل می‌کنند، امنیتی‌تر شدن فضای خاورمیانه و بی‌ثباتی کشورهای این منطقه اولین آثار خود را بر مناطق پیرامونی از جمله امنیت اروپا بر جای می‌گذارد. متقابلاً، حل معضل ثبات در خاورمیانه با نقش آفرینی غیر سنتی اتحادیه و در سازگاری نزدیک با بازیگران عمده منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌باشد.

۲. اهمیت خاورمیانه برای اروپا

به نظر می‌رسد تشدید و تمرکز موضوعات امنیتی بین‌المللی در خاورمیانه در کنار فرصت‌های موجود توانسته باشند این منطقه را به عنوان یکی از مهمترین کانون‌های توجه بین‌المللی در آورزند، بدین معنا که از یک سو، ثبات و امنیت خاورمیانه می‌تواند رابطه‌ای

دوگانه و تبعیض آمیز از یک طرف و استفاده از راه حل های مقطعی و کوتاه مدت از طرف دیگر

شرایط بحرانی ایجاد منازعات دامنه دار را فراهم آورده است. این نوع مداخلات قدرت های بزرگ نه تنها باعث کاهش بحران ها و معضلات منطقه ای نگردیده است، بلکه همواره چالشی جدی در برابر فرآیندهای بومی اصلاحات و مالاصلح و امنیت بین المللی به شمار آمده است. نمونه های منطقه ای چنین رویکرد بحران سازی فراوانند. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران یک نمونه بارز از این نوع رویکرد کوتاه بینانه و مخرب می باشد. ظرفیت آمریکا به عنوان قدرت بزرگ و تأثیرگذار در منطقه، جهت برخورد ابتکاری با مسائل، بسیار کاهش یافته است. فقدان نوآوری، منابع و فرصت های نوین همچون گذشته نه تنها راه حل جدی برای بر طرف شدن بحران ها را به همراه نداشته، بلکه ظرفیت های بومی و محلی را نیز دچار فرسایش کرده است.

در نتیجه، نوآوری و ابتکار خلاق و دو سویه می تواند زمینه های شکل گیری بحران های منطقه ای را کاهش داده و بستر لازم برای تقویت ثبات منطقه ای را فراهم آورد. با درک شرایط جاری و رویکردی نو که متضمن آگاهی های فزاینده از تبعات ناامنی و بی ثباتی خاورمیانه بر نظم آتی باشد، اروپا از این فرصت برخوردار است تا سهم خود را در برقراری ثبات در خاورمیانه بر عهده گیرد و در این میان نقشی

بلکه فرصت های جدید نیز از سیالیت و ابهام گسترده برخوردارند.^(۹)

با توجه به ویژگی های فوق الذکر پیرامون نظم موجود بین المللی، باید گفت که اروپا با توجه به سابقه دیرینه خود و نیز بر خور داری از نقشی پر اهمیت در شکل دهی به وضعیت فعلی، ناگزیر از تعریف نسبت خود با این وضعیت، در قالب تصمیمات جدی و استراتژیک است. این تصمیمات در واقع تعیین کننده نقش و جایگاه اروپا در نظام بین الملل و نیز نقش آن در فرآیندهای مهم سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین المللی است، نقشی که به گفته میگل آنخل وزیر خارجه اسپانیا به عنوان یک فرصت تاریخی می تواند مورد توجه اروپا قرار گیرد.^(۱۰)

در این راستا، مهمترین حوزه و دغدغه موجود نظری و عملی در مباحث یاد شده، منطقه خاورمیانه است. در بحث عمیق و منطقی، ریشه مسائل جاری در خاورمیانه را باید در رفتار و سیاست های غلط گذشته قدرت های بزرگ در این منطقه واصرار بر تداوم این روند پرهزینه جستجو کرد. در عین حال ظهور یک رویکرد جدید و فعال همراه با نگرش و راه حل های نو در منطقه، می تواند امیدها را نسبت به پایان این چرخه معیوب تقویت نماید. بروز پدیده تروریسم و گسترش مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه، مملول شرایط ویژه مداخلات بی وقفه قدرت های فرامنطقه ای می باشد. وجود و تداوم معیارها و برخوردهای

۴. ارائه نقش فعال در بازسازی سیاسی و اقتصادی خاورمیانه به عنوان یک از کلیدی‌ترین مناطق جهان.^(۶)

۳. تعاملات اروپا و خاورمیانه

سیاست اتحادیه اروپا در خاورمیانه اساساً تحت تأثیر سه عامل قرابت جغرافیایی، امنیت انرژی و حافظه تاریخی می‌باشد. از همین رو، این اتحادیه به موضوعات دیگر موجود در منطقه خاورمیانه همچون تروریسم، رقابت تسلیحاتی، فرایند صلح فلسطین - اسرائیل و... در چارچوب عوامل یاد شده که تأثیرات متقابل بر یکدیگر دارند، می‌نگرد. در کنار عواملی چون مجاورت جغرافیایی و امنیت انرژی، حافظه تاریخی اروپائیان به ویژه دول اروپایی همچون انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان نشان می‌دهد که هر کدام از آنها حسب مسائل و موضوعات مختلف، دارای علاقه یا نفوذ و جایگاه در یک یا چند کشور خاورمیانه‌ای بوده‌اند. به واسطه سابقه تاریخی کدوری که در ذهن مردم خاورمیانه‌ای نسبت به عملکرد گذشته برخی از دول یاد شده

تاریخی و سازنده ایفا کند. در فضای کنونی که اسلوب‌های سیاسی و هنجارهای شناخته شده بین‌المللی یکی پس از دیگری مورد چالش قرار می‌گیرند، اتخاذ سیاست صبر و انتظار و نه چندان فعالانه از جانب اروپا در خاورمیانه هزینه‌های بیشتری را می‌طلبد که شاید قابل جبران نباشد. اروپا فرصت‌های زیادی را برای ایفای نقش ثبات‌سازی در خاورمیانه از دست داده است و این امر اقتضا می‌کند تا این اتحادیه با درک شرایط حساس و تاریخی و اجتناب از فرسایشی شدن اختلافات و گفتگوهای طولانی، همکاری‌ها و تفاهات خود با کشورهای ثبات‌ساز خاورمیانه را به نتیجه برساند و به عنوان نقش‌آفرینی قابل اعتماد ظاهر شود. از آنجا که خاورمیانه موضوع رقابت و چانه‌زنی قدرت‌ها واقع شده است، آینده مناسبات جهانی احتمالاً در این منطقه رقم خواهد خورد. با درک این شرایط تاریخی، اروپا و خاورمیانه باید برای ایجاد صلح و ثبات لازم است به درکی متقابل نائل شوند.

با توجه به این امر، تأثیرات حضور اروپا در این عرصه را به صورت زیر می‌توان بر شمرد:

۱. مدیریت کانون‌های بحران بین‌المللی؛
۲. ارتقای جایگاه اروپا در معادلات بین‌المللی؛
۳. تأثیرگذاری بنیادین بر نظام توزیع قدرت بین‌المللی؛

جایگاه اسرائیل و لابی یهود در فرآیند

- زیر بیشتر متمرکز شده است:
- ۱-۳. مشارکت اروپا-مدیترانه‌ای^(۷)
 - ۲-۳. مشارکت اروپا - خلیج فارس
 - ۳-۳. مشارکت در فرآیند صلح فلسطین-اسرائیل

۱-۳. مشارکت اروپا - مدیترانه

برنامه مشارکت اروپا، مدیترانه‌ای که سابقه و قدمت آن به دوره پس از جنگ جهانی دوم و آغاز دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد، با هدف تعمیم مناسبات دول اروپایی با آن دسته از همسایگان خاورمیانه‌ای خود که در سواحل دریای مدیترانه مستقر هستند، راه‌اندازی شد. با به امضای رسیدن بیانیه بارسلون در نوامبر ۱۹۹۵ میان وزرای

تصمیم‌سازی سیاست خارجی آن کشور و در نتیجه فقدان نوآوری در رویکردهای واشینگتن) می‌تواند هزینه‌های امنیتی و سیاسی جدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به بار آورد. عوامل سه‌گانه فوق‌الذکر جملاً سبب شده‌اند تا اتحادیه اروپا، تأمین ثبات در خاورمیانه را به استراتژی اصلی خود در این منطقه تبدیل کند. ثبات در خاورمیانه نه تنها تقویت‌کننده ضریب امنیت در اروپا بوده و از بسیاری مهاجرت‌های غیرقانونی به این سرزمین جلوگیری خواهد کرد بلکه تضمین‌کننده فرآیند انتقال انرژی در بازارهای مصرف اروپایی و توسعه مناسبات اقتصادی با دول منطقه می‌باشد.

خارج اتحادیه اروپا و ۱۲ کشور مدیترانه‌ای طی کنفرانس بارسلون، تحول مهمی در مشارکت اروپا - مدیترانه صورت پذیرفت. براساس این بیانیه، تعریف حوزه مشترک صلح و ثبات از رهگذر پیشبرد گفتگوهای دو و چند جانبه، تلاش جهت ایجاد منطقه آزاد تجاری و تقویت وحدت اجتماعی و فرهنگی به منظور توسعه سطح تبادلات فرهنگی و مفاهمه میان جوامع مدنی به عنوان مهمترین اهداف برنامه مشارکت اروپا - مدیترانه ذکر شده است. در این راستا، دولت‌های اروپایی کوشیده‌اند تا با انعقاد قراردادهای دو جانبه و چندجانبه با کشورهای حوزه مدیترانه و ارائه کمک‌های مالی در

در این جهت و برای جلوگیری از پرداخت هزینه‌های بیشتر سیاسی و امنیتی در خاورمیانه، اتحادیه اروپا و قدرت‌های اروپایی به تعقیب و اجرای راهبردهای امنیتی زیر اقدام کرده‌اند:

الف) حمایت از دموکراسی و توسعه آن؛

ب) تلاش در جهت ایجاد نظم بین‌المللی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی؛

ج) مقابله با تهدیدات سنتی و نوین.

از سوی دیگر، بروکسل استراتژی "ثبات‌سازی" خود را در خاورمیانه در قالب سطوح مشارکتی مختلف اما دارای همپوشی دنبال می‌کند. از این رو، می‌توان گفت که سیاست خاورمیانه‌ای اتحادیه اروپا برای تحقق بخشیدن به راهبردهای یاد شده در حوزه‌های

جایگاه سیاسی خود را در این منطقه تقویت روابط اتحادیه با شورای همکاری خلیج فارس، موضوع انرژی را مورد توجه و تأکید ویژه قرار کنند.^(۸) می‌دهد.

همسو با این مشارکت، مشارکت اروپا در مذاکرات خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حوزه مدیترانه در طی دهه ۱۹۹۰ می‌باشد که به شکست انجامید. اینک در شرایط حاضر که صلح و ثبات در خاورمیانه و مدیترانه برای جامعه بین‌الملل و اتحادیه اروپا اهمیت محوری کسب کرده است، کشورهای اروپایی مجدداً این مسأله را با مشارکت نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی در دستور کار قرار داده‌اند. پیوند سه ضلع رادیکالیسم، تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی مذاکرات خلع سلاح و کنترل تسلیحات را از اهمیت بیشتری برخوردار ساخته است.

۲-۳. مشارکت اروپا - خلیج فارس

اتحادیه اروپا با هدف تقویت ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس و تسهیل مناسبات سیاسی و اقتصادی، در سال ۱۹۸۹ اقدام به امضای موافقتنامه همکاری با شورای همکاری خلیج فارس کرد. توسعه روابط تجاری، تشکیل منطقه آزاد تجاری، مبارزه با تروریسم، جلوگیری از تکثیر تسلیحات کشتار جمعی در زمره مهمترین اهداف این توافقنامه می‌باشد.

۳-۳. مشارکت در فرآیند مناقشه فلسطین - اسرائیل

حوزه سوم از مشارکت اتحادیه اروپا در مسائل خاورمیانه، که از دو حوزه یاد شده مهمتر اما در ارتباط مستقیم با آنها می‌باشد، فرآیند مناقشه میان فلسطین - اسرائیل می‌باشد. به رغم آنکه اولین مداخله اروپا به سال ۱۹۸۰ و صدور اعلامیه ونیز^۹ باز می‌گردد، هنوز این اتحادیه نتوانسته است به بازیگری مستقل و مؤثر در مدیریت این بحران و تأثیرگذاری بر طرفین

اتحادیه اروپا با هدف تقویت ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس و تسهیل مناسبات سیاسی و اقتصادی، در سال ۱۹۸۹ اقدام به امضای موافقتنامه همکاری با شورای همکاری خلیج فارس کرد. توسعه روابط تجاری، تشکیل منطقه آزاد تجاری، مبارزه با تروریسم، جلوگیری از تکثیر تسلیحات کشتار جمعی در زمره مهمترین اهداف این توافقنامه می‌باشد.

ماه، اروپا از نگاه اولیه خود در برخورد با حماس اندکی فاصله گرفته است.^(۱۲) اخیراً نماینده این اتحادیه نیز در دیدار با نخست‌وزیر دولت خودگردان از آمادگی بروکسل برای شکستن محاصره اقتصادی و از سرگیری کمک‌های مالی به دولت یاد شده خبر داد.

مع الوصف، به رغم تلاش مقامات بروکسل جهت اتخاذ خط مشی مستقل در بحران خاورمیانه، به نظری رسد همچنان سیاست‌های این اتحادیه در زمینه مناقشه یاد شده تحت‌الشعاع نسبی روندها و رویه‌های به کار گرفته شده توسط ایالات متحده آمریکا باشد. به بیان دیگر، با اینکه بروکسل از نظر مسائل حقوق بشر دیدگاهی تا حدودی متفاوت با ایالات متحده آمریکا دارد و در مقایسه با این کشور حمایت بیشتری از حقوق مردم فلسطین به عمل آورده است، لیکن این اتحادیه تاکنون توانسته است در مقام یک بازیگر فعال، مستقل و موثر مستقیماً در مدیریت این مناقشه نقش ایفا کند.

۴. مسایل اروپا در خاورمیانه

تحولات دو دهه اخیر در جهان و تحولات سال‌های گذشته در منطقه خاورمیانه فرصت‌های جدید را برای نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامطقه‌ای به وجود آورده است. در این میان، فضای جدیدی برای قدرت‌های اروپایی نیز باز شده است. اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با بهره‌گیری از شرایط پیش آمده

مناقشه تبدیل شود.

در یک نگرش اجمالی به اسناد منتشره از سوی جامعه اروپایی نظیر: بیانیه ونیز (ژوئن ۱۹۸۰)، برلین (مارس ۱۹۹۹) و سوبیل (۲۰۰۲) و نیز مواضع این اتحادیه در کنفرانس مادرید و اسلو می‌توان دریافت که سیاست اصولی این اتحادیه در سایه سیاست‌های آمریکا و حمایت از اسرائیل بوده است. هر چند در سال‌های اخیر به دلیل مخالفت افکار عمومی مردم آمریکا با سیاست‌ها و اقدامات خشن دولت و ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین برخی تعدیلات در سیاست اروپا به وجود آمده است و اتحادیه اروپا تلاش کرده است به موضوعات بشردوستانه و مسئله حقوق بشر در رابطه با مردم فلسطین توجه بیشتری نشان دهد.

اتحادیه اروپا به منظور حصول به این اهداف، اقدام به حمایت مالی و اقتصادی از روند دولت‌سازی در فلسطین کرده است. این اتحادیه در زمره بزرگترین کمک‌دهندگان مالی و فنی به دولت خودگردان فلسطینی به شمار می‌آید. اتحادیه اروپا از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ بیش از ۷۴۳ میلیارد دلار به نواحی فلسطینی‌نشین از جمله کرانه باختری رود اردن و نوار غزه کمک کرده است.^(۱۱)

با پیروزی جنبش حماس در انتخابات پارلمانی فوریه ۲۰۰۶ و تشکیل دولت توسط حماس اتحادیه اروپا اقدام به محاصره اقتصادی دولت خودگردان کرده، اما پس از گذشته چند

بانک‌ها، صندوق‌ها و سایر نهادهای مالی را همراه با صنایع، افراد و... درگیر کرده است هر گونه تحول در این بازار پر بازگردد صرفاً به صنایع و مصرف‌کننده نهایی محدود نخواهد شد. در واقع، فضای بازار آزاد دهه ۱۹۹۰، موضوع امنیت انرژی را از یک مسئله ملی به مقوله ای

در خاورمیانه، کوشیده است تا توجه بیشتری در خصوص برخی از موضوعات و مسائل خاورمیانه نشان دهد که ذیلاً مروری به شش مورد از آنها خواهیم داشت:

۱-۴. امنیت انرژی

با توجه به اهمیت و جایگاه انرژی در شکوفایی اقتصادی و معادلات قدرت جهانی، امنیت انرژی، دهه‌ها پیش از آغاز فرآیند جهانی شدن، به مقوله‌ای فرامرزی و جهانی تبدیل شده بود. این جایگاه و اهمیت، در دوران پس از جنگ سرد با گسترش روندهای جهانی، تقویت شده، به نحوی که موضوع امنیت جهانی انرژی در صدر دستور کار نشست اجلاس سران وزرای هشت خاورمیانه فراتر رفته و به موضوعی بسیار پیچیده تبدیل شده است.

مفهوم امنیت انرژی در طول زمان دچار تحول شده است. در دهه ۱۹۵۰، امنیت انرژی به مفهوم ضرورت حفاظت از عرضه انرژی بود که در زمان جنگ می‌بایست در دسترس قرار می‌گرفت. امروزه تمرکز سیاست انرژی از حوزه صرفاً نظامی فراتر رفته است و تأثیرات اختلال یا قطع عرضه انرژی و شوک‌های قیمت بر کارایی و کارکرد اقتصادی وارد کنندگان اصلی نفت و گاز عمیق خواهد بود. در بازار جهانی انرژی هیچ مصرف‌کننده‌ای صرف نظر از میزان استقلالش از واردات انرژی نمی‌تواند خود را از اثرات شوک‌ها و نوسانات آن جدا کند. از آنجا که بازار انرژی به صورتی درهم تنیده،

هم‌اکنون خلیج فارس از ۶۲ درصد منابع جهانی نفت خام و قریب به ۴۰ درصد ذخایر جهانی گاز طبیعی برخوردار می‌باشد که به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز منطقه، تنها نیمی از این ظرفیت تولید می‌شود.^(۱۶) براساس پیش‌بینی‌های وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا، تولید روزانه نفت خام کشورهای خلیج فارس در ۲۰۱۰ به ۶۶ میلیون بشکه و در ۲۰۲۰ به ۳۵ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت. در نتیجه این افزایش، سهم خلیج فارس در تولید جهانی نفت خام از ۲۷ درصد در ۲۰۰۳ به ۳۳ درصد در ۲۰۲۰ رشد خواهد کرد.^(۱۷)

بدین ترتیب، آشکار است که وابستگی جهانی انرژی، همچنان به عنوان مهمترین منبع انرژی در سطح جهانی باقی خواهد ماند. در این شرایط، اتحادیه اروپا بزرگترین وارد کننده انرژی در جهان بوده و براساس آمارهای به دست آمده، وابستگی آن به واردات نفت و گاز به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت.^(۱۷) افزایش وابستگی اروپا به انرژی های هیدروکربنی در حالی صورت می پذیرد که ذخایر داخلی تأمین کننده انرژی اتحادیه اروپا در دریای شمال رو به کاهش می باشد حسب پیش بینی های موجود، تولید نفت دریای شمال از ۷ میلیون بشکه نفت در روز در سال ۲۰۰۵ به ۴ میلیون بشکه نفت در روز تا سال ۲۰۲۰ کاهش خواهد یافت. مجموعه عوامل همچون افزایش وابستگی جهانی به منابع هیدروکربنی انرژی و کاهش ذخایر داخلی این اتحادیه سبب شده اند تا منطقه خاورمیانه خصوصاً در حوزه خلیج فارس و دریای مدیترانه اهمیت فزاینده یابد. گرچه هم اروپایی ها و هم آمریکایی ها به شدت نگران موضوع امنیت انرژی هستند، اما دو رهیافت متفاوت را در این زمینه تعقیب می کنند. محوری شدن مسائل سیاسی و امنیتی در خاورمیانه، باعث شده است تا ایالات متحده عمدتاً اهداف سیاسی - امنیتی را در این منطقه در اولویت قرار دهد که الزاماً با اهداف انرژی آن کشور همخوانی نداشته و در حالت تقابل با منافع کشورهای منطقه می باشد. همین امر سبب شده است که بسیاری از سرمایه گذاری های

بندین ترتیب، آشکار است که وابستگی اتحادیه اروپا به منابع نفتی خلیج فارس از ۴۰ درصد کنونی بسیار بیشتر خواهد شد. لازم به ذکر است که اگر چه اساس وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی خلیج فارس و به طور کلی خاورمیانه در بخش منابع نفتی بوده و این اتحادیه در بخش انرژی گاز ۹۶ درصد نیاز خود را در دو شکل گاز طبیعی و LNG از روسیه و جمهوری های سابق اتحاد شوروی و نیز شمال آفریقا به ویژه مراکش و الجزایر تأمین می کند، اما احتمال می رود که به دلیل نگرانی شدید اروپایی ها از اقدام روسیه در بهره گیری سیاسی از صادرات گاز خود به بازارهای مصرف این منطقه، توجه این اتحادیه به بازار انرژی گاز خاورمیانه بیشتر شود. این مسئله از آن رو اهمیت بیشتری می یابد که بنا به گفته کریستین کلینینگس از مقامات ارشد کمیسیون اروپا، تا سال ۲۰۲۰، ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز در سال به حجم واردات گاز اتحادیه اروپا افزوده خواهد شد.^(۱۶) یکی از عواملی که امنیت انرژی را برای کشورهای وارد کننده آن به ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا حساس و مهم می سازد، افزایش وابستگی جهانی به منابع هیدروکربنی نفت و گاز حداقل در آینده ای قابل پیش بینی می باشد. در این میان، اگر چه گاز طبیعی در میان منابع هیدروکربنی رشد مصرف فزاینده تری را داشته است (۷۶ درصد رشد سالانه) لیکن همچنان نفت با تشکیل دادن ۳۷ درصد تقاضای

موضوع، نگرانی اروپا به دلیل نزدیکی به منطقه بسیار بیشتر از آمریکا است زیرا آنها اینک در همسایگی این منطقه قرار گرفته‌اند و هرگونه تشدید تنش‌ها بین کشورهای دارنده سلاح‌های کشتار جمعی ممکن است به طریقی آثار سوء بر کشورهای اروپایی بر جا گذارد. این خود موضوعی است که قابل درک می‌باشد.

راهبرد اروپا و آمریکا در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی از هماهنگی برخوردار می‌باشد، اما در برخی مواقع در تاکتیک‌ها اختلاف نظر بروز می‌کند.

راهبرد آمریکا و اروپا در منطقه در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی تاکنون دوگانه و تبعیض‌آمیز بوده است. برخی از شرکت‌های اروپایی در تجهیز عراق به سلاح‌های کشتار جمعی نقش داشتند و دولت‌های اروپایی در خصوص کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران سکوت اختیار نمودند. تا زمانی که رویکردهای ناعادلانه و غیرمنطقی نسبت به سلاح‌های کشتار جمعی از سوی قدرت‌های بزرگ وجود داشته باشد، رقابت تسلیحاتی به نوعی خودنمایی خواهد کرد.

رویکرد اروپا در ارتباط با اسرائیل به عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای در منطقه خاورمیانه نیز تمام‌با دوگانگی و تبعیض بوده است. اسرائیل از حمایت‌های تکنولوژیک برخی از کشورهای اروپایی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای برخوردار بوده است. جمهوری اسلامی ایران در

مورد انتظار برای گسترش و توسعه تولید انرژی در خاورمیانه تحقق نیابد. آمریکا به ویژه از دهه ۱۹۹۰ از این هم‌پیش‌تر رفته و با اعمال تحریم علیه کشورهای چون ایران و لیبی، بر خلاف الزامات و ضروریات تحقق امنیت جهانی انرژی گام برداشته است. شکاف و خلا ایجاد شده در حوزه انرژی، فضای مناسبی برای کنش مشترک مصرف‌کنندگان اروپایی و آسیایی ایجاد کرده است تا ضمن تقویت امنیت انرژی خود، سیاست‌های محدودکننده آمریکا در حوزه انرژی خاورمیانه را اصلاح نمایند. کشورهای تولیدکننده انرژی در خاورمیانه، مشکلات سیاسی و امنیتی کمتری با مصرف‌کنندگان اروپایی و آسیایی انرژی دارند. همین امر حوزه امنیت انرژی را به یکی از محورهای پیوند اروپا با خاورمیانه تبدیل کرده است، به خصوص با توجه به اینکه میزان وابستگی اروپا و آسیا به نفت و گاز وارداتی از خاورمیانه، حتی بیش از ایالات متحده است. لذا همکاری درازمدت در بخش انرژی میان اروپا و کشورهای خلیج فارس، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، تأمین‌کننده منافع دو طرف خواهد بود.

۲-۴. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به دلیل وجود بحران‌های متعدد، مستعد رشد سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه سلاح‌های هسته‌ای است. پیرامون این

در برخورد با جریان‌های سیاسی لبنان و نحوه برخورد با دولت و نیروی مقاومت لبنان تأثیرگذار باشد. فرانسه که به لحاظ تاریخی مناسبات ویژه‌ای با لبنان دارد در این مناقشه سعی نمود نقش بیشتر و مؤثرتری ایفا کند. با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ که فرانسه در تنظیم و ارائه آن نقشی اساسی داشت، پاریس به دنبال آن بود که با تأکید بر قطعنامه ۱۵۵۹، جنبش مقاومت را محدود کند.

با تصویب قطعنامه شورای امنیت که در آن استقرار ۱۵ هزار نیروی ارتش لبنان به همراه ۱۵ هزار نیروی صلح‌بان بین‌المللی حد فاصل مرز اسرائیل تا رودخانه لیطانی خواسته شده بود، نقش اروپا که محوریت تأمین نیروهای UNIFIL را به عهده دارد پررنگ‌تر از قبل جلوه می‌کند. حضور نیروهای اروپایی در این مأموریت باعث شده است که برخی از مقامات اروپایی مانند وزرای خارجه اسپانیا و ایتالیا، حضور مجدد اروپا در یک کانون بحرانی را آغازی برای ایفای یک نقش جدید و استراتژیک قلمداد کنند. برخی معتقدند که مشارکت جدید اروپا در منطقه می‌تواند اثربخیزی اروپا را از آمریکا و اسرائیل کاهش دهد. اروپا به منظور ایفای نقشی نوین در منطقه، باید تلاش بیشتری در راستای حقوق فلسطین و لبنان انجام دهد. این موضوع را در حال حاضر نمی‌توان به کل اتحادیه و دولت‌های آن تعمیم داد. به طور مشخص، انگلیس و آلمان در مورد نقش نیروهای اروپایی

جریان پرونده اخیر هسته‌ای خود تلاش کرده است برای نقش آفرینی بیشتر اتحادیه اروپا در مسائل خاورمیانه با سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس جهت حل و فصل پرونده هسته‌ای خود همکاری نماید. توافق نوامبر ۲۰۰۴ سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران (توافقنامه پاریس) بیروزی مهمی برای دیپلماسی اتحادیه اروپا به شمار می‌رفت زیرا در واقع این اولین ابتکار مهم اتحادیه اروپا در زمینه سیاست خارجی مشترک محسوب می‌شد. مع‌هذا کشورها سه‌گانه اروپایی که در مذاکرات خویش متعهد به رعایت حقوق ایران در فتاوی صلح‌آمیز هسته‌ای بودند، در عمل تحت فشار سیاست‌های آمریکا به تعهد مزبور عمل نکردند و لذا ایران برنامه غنی‌سازی را از حالت تعلیق خارج ساخت. کشورهای سه‌گانه اروپایی از این مرحله به بعد در همکاری نزدیک با آمریکا به دنبال تصویب قطعنامه تحریم در شورای امنیت بودند. عملاً اروپا می‌توانست از این فرصت بهره‌برداری بیشتری در راستای سیاست مدیریت بحران خود به عمل آورد.

۴-۳. جنگ ۳۳ روزه حزب... لبنان با ارتش اسرائیل

جنگ ۳۳ روزه حزب... با ارتش اسرائیل و موقعیت جنبش حزب... در ناکام گذاشتن اهداف نظامی اسرائیل می‌تواند در نوع نگاه اروپا

۵-۴. مسأله افغانستان در نیروهای صلح‌بان شهری با دیگر کشورهای اروپایی اختلاف نظر دارند.

مسأله افغانستان، به واقع نمود برجسته‌ای برای اثبات نگرش ابرازی غرب به منطقه خاورمیانه است. افغانستان پس از جنگ عراق به سرزمینی

۴-۴. بحران عراق

فراموش شده از لحاظ توجه به مشکلات و بازسازی خرابی‌های حاصل از بمباران‌های آمریکا مبدل شده بود و اروپا به تعهد اولیه خود مبنی بر بازسازی افغانستان و تلاش برای کاهش کشت مواد مخدر عمل نکرد. درگیری‌های اخیر در جنوب افغانستان و گسترش حوزه مأموریت ناتو در این کشور نمودی از فعالیت بیشتر اروپا و غرب در افغانستان است. به دلیل بی‌توجهی چند سال گذشته بسیاری از فرصت‌ها برای دولت - ملت‌سازی و بازسازی و توجه به رفاه مردم از دست رفت و هم‌اکنون احتمال ناامنی بیشتر و بازگشت طالبان به برخی از مناطق افغانستان افزایش یافته است.

۶-۴. طرح خاورمیانه بزرگ

به موازات ارائه طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا، اروپا نیز در اقدامی واکنشی "طرح مرحله‌ای مشارکت استراتژیک بین‌اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه مدیترانه و خاورمیانه" را ارائه کردند. گرچه این دو طرح وجوه تمایزی با یکدیگر دارند، اما هیچ‌یک با استقبال مناسبی از سوی کشورهای منطقه مواجه نشدند و این عدم استقبال ناشی از نگاه ابرازی و فرادستانه

در بحران عراق، اتحادیه اروپا از تشمت در مواضع رنج‌برد و نتوانست به اتخاذ موضع ثابتی در قبال این بحران دست زند. در واقع بحران عراق راهبرد کلان این اتحادیه را که مبتنی بر چند جانبه‌گرایی بود زیر سؤال برد. در سال‌های اخیر و به ویژه پس از شکست احزاب دست راستی در اسپانیا و ایتالیا (شکست خوزه ماریو‌ازنار در انتخابات پارلمانی و پس از انفجارات مادرید و شکست برلوسکونی از پیروی نامزد سوسیالیست‌ها و تعهد هر دوی آنها قبل از پیروزی در انتخابات مبنی بر خروج نیروهای کشورشان از عراق) و نیز تحولات سیاسی در چند کشور اروپای شرقی مانند بلغارستان و لهستان، همگرایی و همسویی اولیه اروپا با آمریکا در موضوع عراق کم‌رنگ‌تر شده است. حال با توجه به شکست سیاست‌های آمریکا در عراق و به وجود آمدن اجماع برای ابتکار جدید جهت حل و فصل بحران عراق و پیشنهاد طرح بیکر- همپلتون برای بهره‌گیری از همه قدرت‌های صاحب نفوذ در عراق، فرصت جدیدی برای نقش‌آفرینی برخی قدرت‌ها از جمله اروپا برای ایجاد امنیت و ثبات در عراق به وجود آمده است.

آنها و از سوی دیگر، شناخت تحولات جوامع این منطقه که بر چهار پایه استوار است:

۱. منطقه خاورمیانه به لحاظ تحولات درونی، به شدت پیوسته.
۲. این تحولات عمدتاً از ماهیت سیاسی برخوردارند و ناظر بر بازتعریف اقتدار و گروه‌های مختلف از نقش و قدرت خود می‌باشند.
۳. در این فرآیند، نقش مردم در امر سیاست به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.
۴. تحولات در این کشورها یکسان نیست و به متن بستگی دارد.^(۸۷)

شایان ذکر است، اتحادیه اروپا حتی قبل از

گسترش به ۷۵ عضو نیز توانست به ایفای نقشی جدی در تحولات و ثبات خاورمیانه بپردازد. گسترش نقش و تأثیرگذاری اروپا اگر بدون توجه به نگرش‌های متعارض در دو سوی این قاره همچنان در سطح ادامه‌یافته، توان تأثیرگذاری این بلوک بر معادله اقتصادی - امنیتی را بیش از پیش زیر سؤال خواهد برد. در شرایط سیال و شدیداً متغیر خاورمیانه و در عصر تحول ژئوپولیتیک، ایفای نقش تاریخی اروپا تنها در سایه رویکردی منسجم و اعتمادساز و در تعامل نزدیک با بازیگران منطقه‌ای قابل پیش‌بینی است.

می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای اتحادیه اروپا نه ممکن و نه مطلوب است که به نقش

اروپائیان به کشورهای خاورمیانه است. در واقع، این طرح‌ها بیش از آنکه به تغییرات سیاسی ریشه‌ای در منطقه منجر گردد، سرپوشی بر درد مزمن رفتارهای اسرائیل در منطقه، تحت لوای اصلاحات است. به همین دلیل طرح خاورمیانه بزرگ چه در گفتمان آمریکایی آن و چه در گفتمان اروپایی در سه سطح دولت‌ها، نخبگان، نیروهای اصلاح طلب و نیز بنیادگرایان منطقه با چالش مواجه شده است. اگر طرح اروپا با واقع‌بینی همراه بود می‌توانست بستری برای همکاری بیشتر اروپا و خاورمیانه شود.

فرجام

کشورهای اروپایی به رضم واقع‌بینی بیشتری که نسبت سیاست‌های دولت بوش در خاورمیانه دارند و به رضم تمایلی که برای ایفای نقش مهمتر در مسائل جهانی دارند، تاکنون به دلیل وابستگی‌های ساختاری نتوانسته‌اند در مسائل کلیدی و مهم منطقه خاورمیانه نقش موثری ایفا کنند. از این منظر آنچه دارای اهمیت می‌باشد این است که مسائل جهانی از طریق یکجانبه‌گرایی قابل حل نیست.

در نهایت، پاسخ به این پرسش که اتحادیه اروپا چگونه می‌تواند در فرآیند ثبات و امنیت خاورمیانه نقش آفرینی کند، مستلزم توجه به دو بعد است. از یک سو، شناخت ماهیت مسائل و بحران‌های خاورمیانه و عوامل موثر و دخیل در

- Benjamin S. Lambert, *The American Carrier: Air Power* (CIS, Rond Press, 2006) pp. 8-21.
4. Robert Powell, *In the Shadow of Power* (US, Princeton University, 2003) pp. 82-117.
5. Catherine Trimphé, *EU Enters New Era of Middle East*, News, yahoo.com Aug 26, 2006.
6. Mark Kimmitt, *The Long War American Security in ME: The Army-Navy Club*, Brookings, May 17, 2006. pp. 1-5.
7. Euro-Mediterranean Partnership.
8. Fred Tanner, *NATO Role in Defence Cooperation and Democratization in ME*, *International Spectator*, No 3, 2006, pp. 102-9.
9. *Free Trade Agreement*.
10. *The EU's Relations with the Gulf Cooperation Council- Overview* www.Europe.eu.int.
11. *Commission of European Union "The EU & the Middle East Peace Process, the Union's Position and Role"*, see: www.Europa.eu.int.
12. *EU Takes New Role in ME*, www.thedailystar.com Aug 27, 2006.
13. Geoffrey Kemp & Paul Saunders, **America, Russia and the Greater Middle East**, The Nixon Center, Washington, DC, Nov 2003.
14. *BP Statistical Yearbook*, 2004.
15. *Energy Information Administration, International Energy Outlook*, 2004.
16. www.rferl.org 2006/08/23.
17. Frank Umbach, "Europe's Next Gold War" *Global Issues*, Summer 2006, p. 66.
18. Ian Lasser, *Turkish Foreign Policy in an Age of Global Governance*, Rund Press, No. 100, 2003, pp. 10-12 and Antony Cordesman, *The MIE Crisis, Six Long Wars an Counting*, Csis Aug 4, 2006; pp. 1-10.

سابق خود در خاورمیانه باز گردد. اتحادیه اروپا لازم است این برداشت خود را تغییر دهد که خاورمیانه بخشی از حوزه نفوذ آمریکا است. در واقع، شرایط جدید منطقه ای و جهانی اتحادیه اروپا را ملزم می سازد رهیافتی جدید نسبت به خاورمیانه در راستای راهبردهای کلی خود در سراسر جهان در پیش گیرد. اتحادیه اروپا ضرورت دارد فرصت های جدید در منطقه را که ناشی از تغییر در ترتیبات و شرایط بین المللی پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و تحولات گسترده سیاسی در سطح منطقه خاورمیانه است را درک کند. اتحادیه اروپا باید دستور کار خاص خود را در منطقه که لزوماً در تضاد با منافع آمریکا نیست، تعقیب کند، اما دست کم مناسب است به گونه ای مستقل و با توجه شایسته به هدف خود برای تبدیل به یک بازیگر عمده بین المللی عمل کند. تجربیات گذشته کشورهای اروپایی در روابط شان با کشورهای خاورمیانه به آنها کمک خواهد کرد که به اهداف مشترک اتحادیه اروپا در منطقه بهتر جامه عمل ببخشند.

پانویسها

1. Stephen Flanagan, *Sustaining US-EU Global Security*, *Strategic Forum* No: 217, September 2005.
2. UN *International Trade Statistics*, 1999.
3. May, Leen Neal Creighton, *The Cold War in Perspective Army Review*, July 2006, pp. 1-6 and